

کاربرد نمد در پوشاک سنتی و بومی اقوام ایرانی: تحلیل کارکردی، نمادین و ساختاری

علی حبیبی خوئی

کاردانی مکانیزاسیون



عنوان یکی از کهن ترین دست بافته های بی تاروپود بشر، نقشی بنیادین در تأمین نیازهای زیستی، اقل. فرهنگی جوامع انسانی، به ویژه در زیست بوم عشایری و روستایی ایران ایفا کرده است. در این میان، کاربرد نمد در عرصه پوشاک، بازتابی از پیوند هوشمندانه انسان با محیط زیست، دامداری و باورهای اساطیری-نمادین است. هدف این پژوهش، بررسی جامع کاربردهای ساختاری، حفاظتی و نمادشناختی نمد در البسه سنتی اقوام گوناگون ایرانی (نظیر کردها، لرها، قشقایی ها و آذربایجانی ها) است. روش شناسی این تحقیق از نوع مروری-توصیفی و تحلیلی است که با تکیه بر اسناد مکتوب، منابع کتابخانه ای و تحلیل مطالعات پیشین سامان یافته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که تن پوش ها و سرپوش های نمدی (نظیر کپنک، چوخا، فرجی، کلاه نمدی و پاپوش ها) نه تنها به دلیل ویژگی های فیزیکی پشم از قبیل عایق بندی حرارتی، نفوذناپذیری در برابر رطوبت و انعطاف پذیری، کارکردی حفاظتی در برابر مخاطرات اقلیمی و طبیعی داشته اند، بلکه از طریق نقوش و رنگ بندی های تجریدی و اساطیری، کارکردهای هویت بخشی قومی، تمایز طبقاتی و حفاظت ماورایی (دفع چشم زخم و نیروهای اهریمنی) را نیز بر عهده داشته اند. در پایان، پیشنهادهایی جهت احیای نمد در طراحی لباس معاصر، تلفیق با رویکردهای مد پایدار و فراوری صنعتی بدون آسیب به اصالت های بومی ارائه شده است.

کلیدواژه ها: نمد، پوشاک سنتی، دست بافته های بومی، نمادشناسی نقوش، پوشاک عشایری، اقوام ایران.

DOI: 10.22606/2026.0406
MNR-420-2-E72A5C

تاریخ پوشاک در فلات ایران، جلوه‌گاهی از تطبیق هوشمندانه انسان با جبر جغرافیایی، شرایط اقلیمی و منظومه‌های فکری و اعتقادی است. در طول سده‌ها، دست‌بافته‌های سنتی نه تنها پوششی برای صیانت از جسم در برابر سرما، گرما و رطوبت بوده‌اند، بلکه بازتاب‌دهنده فرهنگ مادی و معنوی سازندگان خویش محسوب می‌شده‌اند (دهقان، ۱۳۷۸؛ صرامی، ۱۳۸۵). در میان تمامی کهن‌الگوهای منسوجات و بافته‌های ایرانی، «نمد» جایگاهی متمایز و کهن دارد. نمد به عنوان پارچه‌ای بی‌تاروپود که بر اثر درهم‌تنیدگی طبیعی الیاف پشم تحت فشار، رطوبت و حرارت شکل می‌گیرد، از نخستین ابداعات بشر در دوران نوسنگی و آغاز اهلی‌سازی دام به‌شمار می‌رود (توحیدی، ۱۳۷۹).

در اقلیم‌های کوهستانی، دشت‌های مرتفع و پهنه‌های زیستی عشایری ایران، نمد نقشی حیاتی در حیات روزمره ایفا کرده است. زندگی مبتنی بر کوچ‌نشینی و زیست در شرایط دشوار آب‌وهوایی، ایجاب می‌کرد که البسه‌ای با بالاترین درجه مقاومت حرارتی و نفوذناپذیری فیزیکی تولید شود. تن‌پوش‌های نمدی سنگین، کلاه‌ها و پاپوش‌های فرآوری‌شده از پشم طبیعی، دقیقاً پاسخی به این نیازهای اکولوژیک بودند (محمدی، ۱۳۸۸؛ پوربابا، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، هنر نمدمالی هرگز به جنبه کاربردی صرف محدود نماند؛ بلکه بستر تجلی هنر تجریدی، ذوق بصری و نظام نشانه‌شناختی عشایر و روستاییان شد (روحانی، ۱۳۹۰). نقوشی که بر سطح این تن‌پوش‌ها و زیراندازها پدیدار می‌شدند، روایتی تصویری از زیست‌جهان، اسطوره‌ها و باورهای کهن ایرانی را به نمایش می‌گذاشتند (صدقی، ۱۳۸۱؛ سلطانی، ۱۳۸۹). بررسی دقیق ساختار، کارکرد و ارزش‌های نمادین نمد در البسه سنتی، گامی بنیادین در بازخوانی میراث ملموس و ناملموس فرهنگ پوشاک ایران است.

۲. بیان مسئله

با گسترش مدرنیزاسیون، تغییر شیوه های معیشتی و ورود منسوجات صنعتی و الیاف مصنوعی در سده اخیر، جایگاه پوشاک سنتی و به ویژه دست سازه های نمدی به شدت دچار دگرگونی و افول شده است. نمد سنتی که روزگاری مهم ترین پوشش محافظتی چوپانان، سوارکاران و مردمان ایل در برابر سرمای کوهستان و گزند حشرات و جانوران گزنده بود، امروزه با خطر فراموشی تکنیک های اصیل و تقلیل به اشیاء موزه ای یا کالاهای دکوری تزئینی روبه رو است (جعفری، ۱۳۸۷).

مسئله بنیادین این است که ابعاد فنی، ارگونومیک، زیبایی شناختی و نمادین کاربرد نمد در پوشاک اقوام گوناگون به صورت یکپارچه و تطبیقی کمتر مورد واکاوی نظام مند قرار گرفته است. هنوز به درستی تبیین نشده است که چگونه ویژگی های ساختاری الیاف پشم و فنون نمد مالی با ساختار کالبدی البسه (مانند کپنک، چوخا، فرجی و کلاه های نمدی) پیوند خورده و نقوش نقش بسته بر آن ها چگونه مفاهیم هویتی، اساطیری و حفاظتی را در اقوام مختلف نظیر قشقایی، لر، کرد و آذربایجان بازتولید کرده اند (کریمی، ۱۳۸۵؛ مقصودی و همکاران، ۱۳۹۷؛ نوری، ۱۳۹۱). بازشناسی و مدون سازی این میراث از منظر کارکردی و معناشناختی، ضرورت کنونی پژوهش های حوزه هنر و صنایع دستی ایران است.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

پوشاک سنتی هر جامعه، بخشی از شناسنامه فرهنگی و سند هویت تاریخی آن ملت است. بررسی نمد در پوشاک از چندین جنبه حائز اهمیت راهبردی است:

۱. **حفظ میراث ملموس و ناملموس:** نمد مالی و تولید البسه نمدی شامل مجموعه ای از دانش های بومی، آیین ها و شیوه های کهن فرآوری مواد طبیعی است که بدون ثبت علمی در معرض انقراض قرار دارند (پوربابا، ۱۳۹۵).

۲. مطالعات نشانه‌شناسی و مردم‌شناختی: البسه نمدی حامل نقوش، نمادها و رنگ‌هایی هستند که بدون شناخت آن‌ها، رمزگشایی از فرهنگ باطنی و جهان‌بینی اقوام ایرانی ناممکن خواهد بود (حسینی، ۱۳۹۶؛ سلطانی، ۱۳۸۹).

۳. پاسخ به چالش‌های زیست‌محیطی معاصر (مد پایدار): در عصر بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از الیاف شیمیایی، بازخوانی خواص نمد سنتی به‌عنوان محصولی صددرصد تجدیدپذیر، زیست‌تخریب‌پذیر و سازگار با بدن انسان می‌تواند الگوهای نوینی برای طراحی پوشاک معاصر خلق کند (دهقان، ۱۳۷۸؛ توحیدی، ۱۳۷۹).

۴. اهداف پژوهش

- هدف اصلی: تبیین و تحلیل جامع کارکردها، ساختار و جایگاه نمادین نمد در پوشاک سنتی اقوام گوناگون ایران.
- اهداف فرعی:

۱. بررسی ویژگی‌های ساختاری، فیزیکی و اکولوژیک نمد در پاسخ به نیازهای اقلیمی پوشاک بومی.

۲. گونه‌شناسی و دسته‌بندی انواع تن‌پوش‌ها، سرپوش‌ها و پاپوش‌های نمدی در میان اقوام لر، کرد، قشقایی و آذربایجان.

۳. رمزگشایی از نقوش، رنگ‌ها و کارکردهای حفاظتی-اساطیری البسه نمدی.

۴. ارائه راهکارهای انطباقی برای بازآفرینی نمد در صنعت مد و طراحی پارچه معاصر.

۵. فرضیات پژوهش

۱. به نظر می‌رسد کاربرد نمد در پوشاک سنتی اقوام ایرانی بیش از هر چیز متأثر از جبر جغرافیایی، معیشت دامداری و خواص عایق‌بندی و دافع رطوبت الیاف پشم بوده است.
۲. تنوع فرمی و ساختاری پوشاک نمدی در میان اقوام مختلف (کردستان، لرستان، فارس و آذربایجان) پیوند مستقیمی با نوع اقلیم محلی و شیوه‌های زیستی هر قوم دارد.
۳. نقوش به‌کاررفته در پوشاک نمدی سنتی دارای کارکردهای چندگانه زیبایی‌شناختی، تمایزبخشی طبقاتی-هویتی و حفاظت روانی-اساطیری بوده‌اند.

۶. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و هدف، در زمره پژوهش‌های بنیادی-کاربردی و از منظر روش اجرا، مروری-توصیفی و تحلیلی است. جامعه اطلاعاتی شامل متون تخصصی، کتاب‌های مرجع حوزه صنایع‌دستی و مردم‌شناسی، مقالات علمی-پژوهشی نمایه شده و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشگاهی پیرامون صنایع‌دستی و منسوجات سنتی ایران است. شیوه گردآوری داده‌ها به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. پس از گردآوری منابع، داده‌ها با روش کیفی دسته‌بندی شده و مؤلفه‌های ساختاری، جغرافیایی، فرمی و معناشناختی نمد در پوشاک سنتی مورد تحلیل و تطبیق قرار گرفتند.

۷. پیشینه پژوهشی

پیرامون نمد و دست‌بافته‌های سنتی ایران پژوهش‌های گوناگونی انجام گرفته است که می‌توان آن‌ها را در سه محور موضوعی دسته‌بندی کرد:

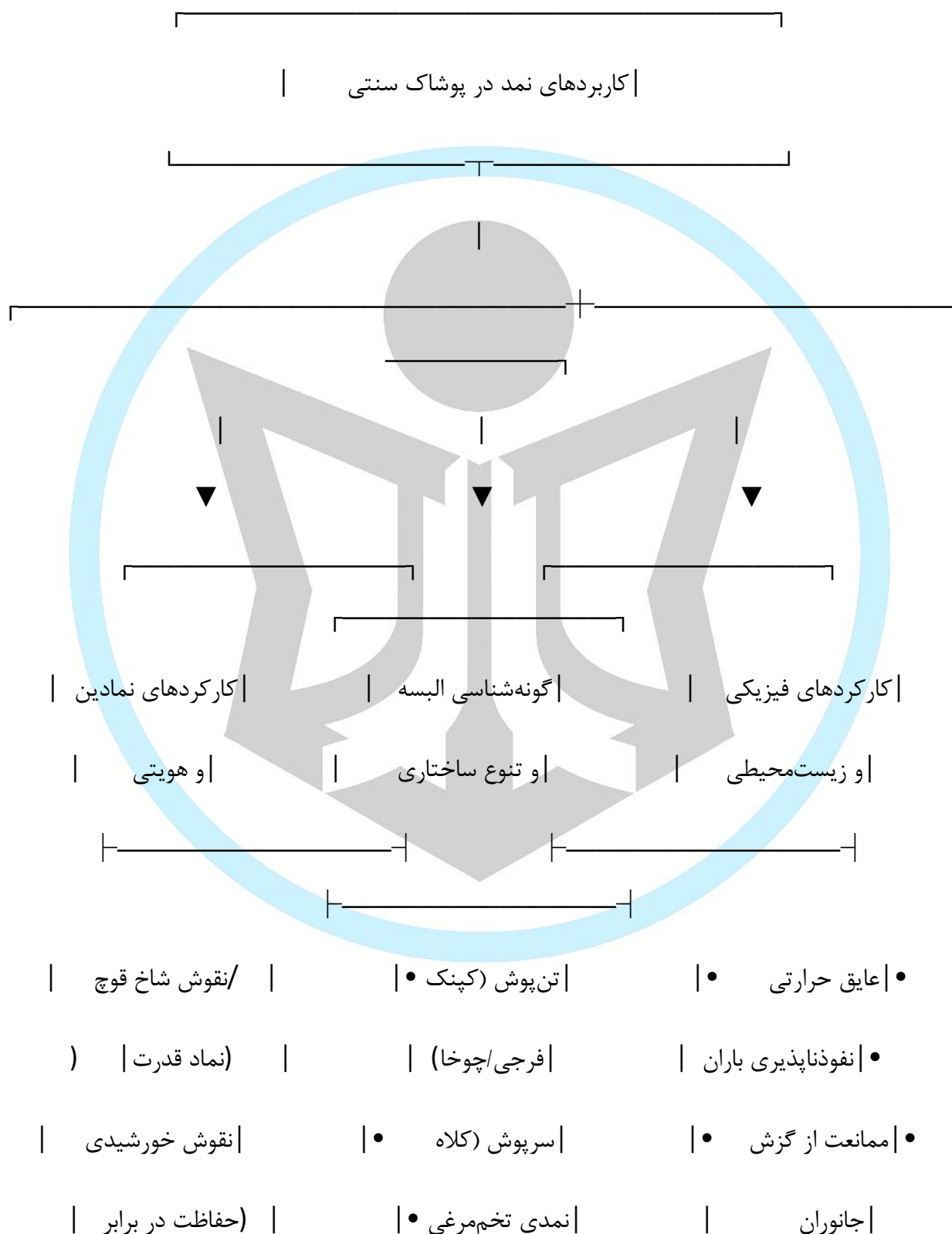
۱. **فناوری و تاریخچه نمد:** توحیدی (۱۳۷۹) در کتاب *نمد در ایران* به تفصیل تاریخچه، شیوه های کارگاهی نمدمالی و ابزارشناسی این هنر را در سراسر کشور بررسی کرده است. پوربابا (۱۳۹۵) نیز در مقاله ای به تحلیل فرآیند تولید، آیین های نمدمالی و پراکندگی جغرافیایی این صنعت پرداخته است. همچنین جعفری (۱۳۸۷) در پژوهش خود ابعاد مردم شناختی و کاربردهای نمد در بستر فرهنگ ایرانی را تبیین نموده است.

۲. **بررسی منطقه ای و تطبیقی دست بافته ها:** نوری (۱۳۹۱) در مطالعه تطبیقی خود نقوش و بافته های نمدی در کردستان و آذربایجان را مقایسه کرده و به اشتراکات اقلیمی و تمایزات فرمی اشاره دارد. وحدتی (۱۳۹۲) ویژگی های نمد و نقوش کاربردی آن در آذربایجان را واکاوی کرده و مقصودی، فلاحی و حسینی (۱۳۹۷) به طور اختصاصی ساختار نقوش نمد لرستان و کاربرد آن در البسه را تحلیل کرده اند. کریمی (۱۳۸۵) نیز تنوع پوشاک و نمدهای ایل قشقایی را مستند ساخته است.

۳. **نمادشناسی و کارکردهای حفاظتی نقوش:** سلطانی (۱۳۸۹) به بازشناسی نقش مایه های اساطیری در نمدهای عشایری پرداخته و کهن الگوهای نمادین را تشریح کرده است. حسینی (۱۳۹۶) بر کارکرد حفاظتی نقوش در فرهنگ عامه و دور کردن گزندها تأکید نموده و روحانی (۱۳۹۰) به بررسی تحلیلی نقوش در صنایع دستی عشایری پرداخته است.

با این حال، جای خالی اثری که به طور متمرکز و مبسوط کارکرد اختصاصی نمد را در ساحت «پوشاک اقوام» از منظر پیوند فناوری سنتی، ارگونومی بومی و نمادشناسی پوشاک تحلیل کند، در پیشینه ها مشهود است.

۸. یافته های پژوهش



• دوام و ضربه گیری • | • پاپوش و جوراب | • چشم زخم |



۸-۱. ویژگی های زیست بومی و فیزیکی نمد در البسه

نمد حاصل فرآیندی است که طی آن، فلس های بیرونی الیاف پشم گوسفند تحت تأثیر آب گرم، صابون، فشار مداوم و حرارت در هم تنیده شده و ساختاری بدون تاروپود، بسیار متراکم و غیر قابل تفکیک پدید می آورند (توحیدی، ۱۳۷۹). این ساختار طبیعی به پوشاک نمدی امتیازات منحصر به فردی می بخشد:

- **عایق بندی حرارتی بی نظیر:** پشم طبیعی به دلیل محبوس کردن هوا در بین الیاف، قوی ترین عایق حرارتی طبیعی در برابر سرمای استخوان سوز زمستان و حتی گرمای شدید تابستان است (دهقان، ۱۳۷۸).
- **نفوذناپذیری در برابر آب و برف:** تراکم بالای نمد در ترکیب با چربی طبیعی پشم (لانولین)، سبب لغزش قطرات آب از سطح پوشاک نمدی شده و آن را به یک بارانی طبیعی کاملاً ضد آب تبدیل می کند (محمدی، ۱۳۸۸).
- **خاصیت ضربه گیری و محافظت فیزیکی:** ضخامت و سختی نمد سنتی مانند یک زره نرم عمل می کرد؛ چوپانان و سوارکاران را از آسیب خار و خاشاک، سنگلاخ و گزیدگی مار و عقرب (که قادر به نفوذ در بافت متراکم نمد نیستند) مصون نگاه می داشت (پوربابا، ۱۳۹۵).

۸-۲. گونه شناسی و تنوع البسه نمدی در میان اقوام ایرانی

کاربرد نمد در پوشاک سنتی ایران را می توان در سه دسته کلی طبقه بندی کرد:

الف) تن پوش های اصلی (روپوش ها و شنل ها)

- **کَپَنک (کپنگ):** شنل نمدی ضخیم و بلند، بدون آستین یا با آستین های کاذب و دوش های برجسته که در میان چوپانان آذربایجان، کردستان و ترکمن ها رایج است (وحدتی، ۱۳۹۲؛ نوری، ۱۳۹۱). این لباس در شب های سرد کوهستان نه تنها تن پوش بلکه روانداز و کیسه خواب چوپان نیز بوده است.

- **فَرَجی (گُردین / شولا):** تن پوشی نمدی و جلو باز با شانه های مثلثی برجسته که چوپانان و دامداران مناطق زاگرس (لرستان و چهارمحال و بختیاری) بر تن می کردند (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۷). برجستگی شانه ها به گونه ای طراحی شده که قطرات باران را به دور از بدن ریزش داده و حمل بار یا سلاح را تسهیل می کرده است.

- **چوخا و پالتوهای نمدی:** لباس های آستین دار نمدی که توسط مردان ایل قشقایی و بختیاری برای عبور از مناطق صعب العبور کوهستانی استفاده می شده است (کریمی، ۱۳۸۵؛ مرادی، ۱۳۹۴).

ب) سرپوش ها (کلاه های نمدی)

کلاه نمدی در فرهنگ مردان ایرانی، صرفاً یک پوشش نبوده بلکه مظهر وقار، مردانگی، شأن اجتماعی و هویت قومی محسوب می شده است (صرامی، ۱۳۸۵). کلاه های نمدی در اشکال گوناگون ساخته می شدند:

- کلاه نمدی گرد تخم مرغی (مخصوص بختیاری ها و قشقایی ها)؛
- کلاه لبه دار یا نمدی های تخت مناطق کردستان و آذربایجان (مرادی، ۱۳۹۴؛ وحدتی، ۱۳۹۲).

این کلاه ها سر را در برابر تغییرات سریع فشار هوا و دمای سر محافظت می کردند.

ج) پاپوش ها و ساق پوش ها



پاتابه‌ها (ساق‌بندها) و جوراب‌های نمدی، مکمل پوشاک عشایر برای راه‌پیمایی‌های طولانی در مناطق برفی و سنگلاخی بوده‌اند تا مانع از یخ‌زدگی مفاصل میچ و پا شوند (جعفری، ۱۳۸۷).

۸-۳. تحلیل نمادشناسی و نقوش در پوشاک نمدی

نقوشی که بر سطح تن‌پوش‌ها و کلاه‌های نمدی نقش می‌بندند، ریشه در جهان‌بینی باستانی و اعتقادات تجربیدی اقوام دارند (صدقی، ۱۳۸۱). به‌طور کلی این نقوش را می‌توان در سه دسته تحلیل کرد:

۱. **نقوش جانوری (زومورفیک):** مهم‌ترین این نقوش «شاخ قوچ» (نماد باروری، شجاعت، دلاوری و

استقامت) است که در نمدهای کردستان، لرستان و قشقایی فراوان دیده می‌شود (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سلطانی، ۱۳۸۹).

۲. **نقوش گیاهی و کیهانی:** نقوش ترنج، گل‌های هشت‌پر و چلیپا (گردونه مهر) که بازتاب‌دهنده چرخه فصول، خورشید، نور و برکت هستند (روحانی، ۱۳۹۰).

۳. **نقوش کارکردی و طلسمی (آپوتروپائیک):** بر اساس مطالعات حسینی (۱۳۹۶)، بسیاری از نقوش هندسی، مثلثی و چشم‌مانند تعبیه‌شده بر روی حاشیه تن‌پوش‌های نمدی، با هدف دور نگاه داشتن نیروهای شرور، چشم‌زخم و حوادث ناگوار در سفرها و صحراها ایجاد می‌شده‌اند. رنگ‌های به‌کاررفته (سفید، سیاه طبیعی، قرمز لاک‌ی و زرد دندانه‌دار) نیز هر یک بار معنایی مرتبط با عناصر اربعه و شجاعت داشته‌اند (مرادی، ۱۳۹۴).

۹. نتیجه‌گیری

نمد در پوشاک اقوام ایرانی، تبلور همزیستی انسان با طبیعت، درک اصول ایستایی و ترمودینامیک الیاف، و تجلی هنر انتزاعی در زندگی روزمره بوده است. پژوهش حاضر روشن ساخت که کاربرد نمد در البسه بومی، صرفاً حاصل ضرورت‌های اقتصادی و اقلیمی نبوده، بلکه فرم، رنگ و نقوش آن با الگوهای رفتاری، نظام طبقاتی و

سامانه های هویتی و اعتقادی عشایر و روستانشینان درهم تنیده است. کلاه ها و تن پوش های نمدی از آذربایجان و کردستان تا زاگرس میانی و فارس، علیرغم تمایزهای ظاهری، دارای هسته مفهومی مشترکی از امنیت، استواری و بازنمایی نمادهای کهن فلات ایران هستند. امروزه درک عمیق این دستاورد بومی می تواند الگویی پویا برای بازتولید البسه پایدار در عرصه طراحی معاصر فراهم آورد.

۱۰. پیشنهادات کاربردی

۱. **تلفیق با صنعت مد پایدار:** استفاده از فناوری نمد طبیعی در تولید پالتوها، شنل ها و اکسسوری های مدرن زمستانه متناسب با اصول «مد سبز و زیست تخریب پذیر» به جای الیاف آلاینده مصنوعی.
۲. **بهبودسازی و نازک سازی با نانوفناوری و فرآوری مدرن:** انجام پژوهش های مهندسی نساجی جهت سبک سازی وزن نمد سنتی، لطیف سازی و ترکیب آن با ابریشم (تکنیک نمدِ نونو / Nuno Felting) برای تولید البسه سبک شهری.
۳. **مستندسازی و ثبت ملی فنون بومی نمد مالی البسه:** تدوین اطلس جامع تن پوش های نمدی اقوام ایران و ثبت مهارت های رو به فراموشی تولید کپنک، فرجی و کلاه های محلی به عنوان میراث ناملموس ملی.
۴. **حمایت از کارگاه های روستایی و بوم گردی:** ایجاد ارزش افزوده اقتصادی از طریق اتصال کارگاه های محلی نمد مالی به بازارهای صنایع دستی خلاق و طراحی محصولات کاربردی برای مخاطبان بین المللی.

منابع

۱. پوربابا، حسن (۱۳۹۵). «پژوهشی در نمد و نمد مالی ایران». فصلنامه فرهنگ مردم / ایران، سال دهم،

۲. توحیدی، کریم الله (۱۳۷۹). نمد در ایران. تهران: انتشارات سروش.
۳. جعفری، سحر (۱۳۸۷). نمد در فرهنگ ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۴. حسینی، زهرا (۱۳۹۶). «بررسی نقش حفاظتی نقوش نمد در فرهنگ عشایری». دوماهنامه فرهنگ و هنر، سال نهم، شماره ۴، صص ۴۰-۵۵.
۵. دهقان، جعفر (۱۳۷۸). صنایع دستی ایران. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. روحانی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی نقوش سنتی در صنایع دستی عشایری ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.
۷. سلطانی، لیلا (۱۳۸۹). «نقش مایه های اساطیری در نمدهای عشایری ایران». فصلنامه مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، صص ۲۱-۳۵.
۸. صرامی، عبدالله (۱۳۸۵). سیری در هنر ایران. تهران: انتشارات هنر عشایر ایران*. تهران: انتشارات هیرمند.
۹. مرادی، کاوه (۱۳۹۴). فرهنگ و هنر عشایر کرد. تهران: انتشارات پژوهش های فرهنگی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۱۰. محمدی، مهدی (۱۳۸۸). هنر عشایر ایران. تهران: انتشارات هیرمند.
۱۱. مرادی، کاوه (۱۳۹۴). فرهنگ و هنر عشایر کرد. تهران: انتشارات پژوهش های فرهنگی.
۱۲. مقصودی، محسن؛ فلاحتی، علی؛ و حسینی، سید محمد (۱۳۹۷). «تحلیل ساختاری نقوش نمد لرستان». نشریه هنرهای صناعی ایران، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۵-۴۰.



۱۳. نوری، رحیم (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی نقوش نمد در کردستان و آذربایجان». فصلنامه

مطالعات فرهنگی و هنری، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۳۰-۴۵.

۱۴. وحدتی، علی (۱۳۹۲). «نقوش نمد در منطقه آذربایجان». مجله هنرهای سنتی ایران، شماره

۲، صص ۵۰-۶۵.

